

جزوه زبان پیش ترکیبی

@zaban_yadegar3

فهرست

1	كلمات (Vocabulary)
1 Unit 1
2 Unit 2
3 Unit 3
4 Unit 4
5 Unit 5
6 Unit 6
8	(Grammer)
8 ساختار جمله
11 فرمایر مفعولی
14 فرمایر ملکی
14 استفاده از should
16 افعال action
17 هروف اضافی
20 ریدینگ ها همراه معنی
35 نمونه سوالات دو ترمه قبل
43 نمونه سوالات دو ترمه قبل همراه با جواب و توضیع
54 نمونه سوالات ترمه قبل
65 نمونه سوالات ترمه قبل همراه با جواب و توضیع

Vocabulary

كلمات مهم كتاب real reading همراه با معنى :

درس اول (unit 1)

كلمه	معنى
1. Transport	حمل و نقل
2. Airport	فروندگاه
3. Arrive	رسید (آمد)
4. Arriving	رسیدن
5. Baggage	بار سفر (چمدان)
6. Passenger	مسافر
7. Toilet	تولالت
8. Passport	پاسپورت
9. Train	قطار
10. City center	مرکز شهر
11. Special	ویژه
12. Long way	راه طولانی

كلمه	معنى
13. Faster	سریعتر
14. Bus	اتوبوس
15. Buses	اتوبوس ها
16. Weekends	آخر هفته ها
17. Stations	ایستگاه ها
18. Underground station	ایستگاه زیرزمینی
19. Ticket	بلیط
20. Cheaper	ارزونتر
21. Terminal	ترمینال (پایانه)
22. Wheelchair	ویلچر
23. Information desk	میز اطلاعات
24. Leave	ترک کردن (رفتن)

درس دوم (unit 2) :

کلمه	معنی
1. My favorite	مورد علاقم
2. Meal	وعده غذایی
3. Eat	خوردن
4. Tasty	خوشمزه
5. Breakfast	صبحانه
6. Buffet	بوفه
7. Order	سفارش دادن
8. Deliver	تحویل دادن
9. vegetarian restaurant	رستوران گیاهخوار ها
10. price	قیمت
11. Dessert	دسر
12. Menu	منو

کلمه	معنی
13. Meat	گوشت
14. Vegetables	سبزیجات
15. Chicken	مرغ
16. Cheese	پنیر
17. Appetisers	پیش غذا
18. Main	اصلی
19. Sirloin	گوشت
20. Chunky	بزرگ (هیکلی)
21. Soft	نرم
22. Fried	سرخ شده
23. Sliced	برش خورده

درس سوم (unit 3)

کلمه	معنی
1. Assistant	در اینجا فروشنده، مسئول معنی می دهد
2. Accessories	لوازم
3. Perfume	عطر
4. Cosmetic	وسیله آرایشی
5. Foot wear	کفش
6. Suitcase	چمدان
7. Luggage	وسایل سفر
8. Gadget	وسیله الکترونیکی
9. Facilities	امکانات
10. Disable	ناتوان کردن. از کار انداختن
11. Wedding	عروسوی
12. Cash	پول نقد
13. Repair	تعمیر کردن
14. Watch	ساعت مچی
15. Jewellery	جواهرات
16. Trousers	شلوار
17. Pair	جفت

کلمه	معنی
18. Order	سفارش دادن
19. Fitting room	اتاق پرو
20. Exit	خروج
21. Ordering service	محل سفارش
22. Escalator	پله برقی
23. Exclude	مانع شدن
24. Detail	جزئیات
25. Cost	هزینه (بها)
26. Except	بجز
27. Accept	قبول کردن (پذیرفتن)
28. Credit card	کارت اعتباری
29. Cheques	چک
30. Cheap	ارزان
31. Notice	اطلاعیه
32. Information	اطلاعات
33. Guide	راهنمای

درس چهارم (unit 4)

کلمه	معنی
1. Foreign	خارجی
2. Currency	ارز(واحد پول)
3. Abroad	خارج از کشور
4. Exchange	معاوضه . مبادله پول
5. ATM	دستگاه خودپرداز
6. Customer	مراجعه کننده مشتری.
7. Debit card	کارت اعتباری
8. Commission	کارمزد
9. Receipt	رسید
10. Card statement	صورتحساب کارت اعتباری
11. Exchange rate	نرخ ارز
12. Limit	محدود کردن .
13. Free	رایگان

کلمه	معنی
14. Journey	سفر
15. Valid	معتبر
16. Purchase	خریداری کردن
17. Apply	درخواست کردن.
18. PIN (personal identification number)	رمز
19. Bank account	حساب بانکی
20. Make mistakes	اشتباه کردن
21. Insert	وارد کردن (برای بیان کارت را وارد کنید استفاده می شوم)
22. Take	برداشتن . گرفتن
23. Enter	وارد کردن (برای بیان رمز را وارد کنید استفاده می شود)
24. Imperative verb	افعال ساده بدون to
25. Press	فشار دادن

درس پنجم (unit 5)

کلمه	معنی
1. Organized	مرتب شده
2. Temple	معبد
3. Tomb	آرامگاه
4. Pyramid	اهرام
5. attention Pay	توجه کردن
6. Expensive	گران
7. Overlooking	چشم انداز
8. Beauty salon	سالن زیبایی
9. Private	خصوصی
10. Shower	دوش
11. Deposit box	صندوق امانتات
12. Price	قیمت
13. Bath tub	وان حمام
14. Satellite	ماهواره
15. Air conditioning	کولر
16. Dry cleaning	خشکشویی
17. Ironing	اتو کردن لباس
18. Safe	امن
19. Reception	پذیرش

کلمه	معنی
20. Before	قبل
21. Budget	بودجه
22. Historical	تاریخی
23. Ancient	باستانی (قدیمی)
24. Avenue	خیابان
25. Straight	مستقیم
26. On foot	پیاده
27. Offer	پیشنهاد
28. Roof	سقف
29. Panoramic	چشم انداز دار
30. Variety	گوناگونی (متنوع)
31. Dish	غذا
32. Provide	فراهم کردن
33. Storage	ذخیره کردن
34. Map	نقشه
35. Available	موجود بودن. در دسترس بودن
36. Souvenir	سوغاتی
37. Laundry	شستشو لباس

درس ششم (unit 6)

کلمه	معنی
1. Chemist	داروخانه
2. Tablet	قرص
3. Medicine	دارو
4. Soap	صابون
5. Healthy	سالم
6. Advice	نصیحت. پیشنهاد
7. Pharmacist	دارو فروش داروساز
8. Cosmetic	آرایشی
9. Dental	دهان و دندان
10. Product	محصول
11. Deodorant	ضد تعریق
12. Mouthwash	شوینده دهان
13. Body lotion	کرم مرطوب کننده
14. Tissue	دستمال کاغذی
15. Plaster	چسب زخم
16. Anti-perspirant	ضد عرق
17. Shower gel	شامپو بدن
18. Nail file	سوهان ناخن
19. Pharmacy	داروخانه
20. Mascara	ریمل
21. Flu	آنفولانزا
22. Headache	سردرد
23. Migraine	میگرن
24. Fever	تب

کلمه	معنی
25. Toothache	دندان درد
26. Muscle pain	درد عضلانی
27. Dirty	کثیف
28. Suitable	مناسب
29. Adult	بزرگسال
30. Elderly	مسن. سالخورده
31. Swallow	قابل قورت دادن (بلعیدن)
32. Chewable	جویدنی
33. Necessary	ضروری
34. Exceed	زیاده روی
35. Symptoms	علائم بیماری
36. Sore throat	گلو درد
37. Block nose	گرفتگی بینی
38. Effective	تاثیرگذار
39. Relief	راحت شدن
40. Sugar	شکر
41. Sought (seek)	جستجو کردن
42. Persist	پاشاری کردن
43. Consult	مشورت کردن
44. Nasal spray	اسپری بینی
45. Decide	تصمیم گرفتن
46. Instruction	دستور عمل
47. Transcript	نسخه

روز های هفته

دوشنبه : Monday

سه شنبه : Tuesday

چهارشنبه : Wednesday

پنج شنبه : Thursday

جمعه : Friday

روز های هفته (روز های غیر تعطیل) : weekdays

آخر هفته (روز های تعطیل) : weekend

شنبه : Saturday

یکشنبه : Sunday

فصل ها:

بهار : Spring

تابستان : Summer

پاییز : Fall

زمیان : Winter

GB English	US English
Ground floor	First floor
First floor	Second floor
Second floor	Third floor

GB English: chemist's

US: drugstore

South African: pharmacy

Australian: pharmacy

Grammer

گرامر های مورد نیاز

در انگلیسی در قسمت ابتدای جمله همچون فارسی فاعل را داریم که شامل ضمایر و اسم ها هستند.
ضمایر:

من . I

تو . You

او (مونه) She=Zahra .my sister

تمام اسمی دختر و هر اشاره به سوم شخص خانم

او (مذکر) He= Ali, my dad

تمام اسمی پسر و هر اشاره به سوم شخص آقا

آن (اشیا) It= book .apple

تمام اشیا .حیوانات .میوه ها و غیره

We =my mom and I ما

آن ها (اشیا.انسان) They = Ali and Akbar

شامل دو یا چند انسان یا اشیا

قسمت دوم جمله در انگلیسی فعل است

افعال در انگلیسی به دو دسته تقسیم می شوند :

ToBe=am .is .are. هستن .بودن

Action= فعل های دارای حس و حالت

افعال ToBe

من هستم I am

I am a teacher (اسم)

I am happy (صفت)

تو هستی You are

You are teacher (اسم)

You are happy (صفت)

ما هستیم We are

We are teachers (اسم جمع)

We are happy (صفت)

آن ها هستند They are

They are teachers (اسم جمع)

They are happy (صفت)

او هست She is

She is a teacher

She is happy

Zahra is happy/teacher

او هست He is

He is teacher

He is happy

Ali is happy /teacher

آن هست

It is an apple (اسم)

It is blue (صفت)

برای منفی کردن جملات بالا کافی است not را به آخر فعل Tobe اضافه کنیم

I am not. I'm not.

You are not. you aren't

She is not. she isn't

He is not. He isn't

We are not. we aren't

They are not. they aren't

برای سوالی کردن کافی است جای فعل و فاعل را جایه جا کنیم

She is a teacher -Is she a teacher?

You are happy-Are you happy?

It is an apple -Is it an apple?

a/an

این دو حرف را قبل از اسامی مفرد قابل شمارش استفاده می کنیم و معنی آن ها یک است.

: an

برای کلماتی استفاده می شود که با حروف صدادر (a, i, o, u, e) شروع می شود استفاده می شود
مانند

An apple /an eraser/an uniform/an orange

: a

از این حرف قبل از کلماتی استفاده می شود که خرف اول ان ها صدادر نباشد (یعنی تمام حروف به غیر از پنجم حرف
صدادر معرفی شده)

a book
a cat
a pen

It is an apple
It is a book

5 جمع :

برای جمع بستن اسمی قابل شمارش در انگلیسی معمولاً باید **z** را به آخر کلمه اضافه کنیم

Book : books

Orange :oranges

Boy :boys

اگر اسم مفرد به **z** ختم شود و حرف قبل از **z** حرف بدون صدا باشد یعنی باید **z** را به **ies** تغییر میدهیم

City :cities

ضمایر مفعولی (objective pronouns) هستند که به شخص یا چیزی اشاره دارد که تحت تأثیر یک عمل فرار می گیرد و معمولاً بعد از فعل یا حرف اضافه می اید. این ضمایر جایگزین مفعول در جمله میشوند و نقش مفعول جمله را می پذیرند. درست مانند ضمایر فاعلی، ضمایر مفعولی می توانند مفرد یا جمع، مذکور، مؤنث یا جنسیت خنثی باشند. به مثال های زیر توجه کنید:

We will be late if you don't hurry up.

اگه شما(ضمیر مفعولی) عجله نکنید ما(ضمیر فاعلی) دیر میکنیم.

John sang the song to me.

جان (فاعل) اهنگ را برای من(ضمیر مفعولی) خواند.

She packed them tightly in the suitcase.

او(ضمیر فاعلی) آنها (ضمیر مفعولی) را محکم در چمدان بسته بندی کرد.

اموزش انواع ضمایر مفعولی و ضمایر فاعلی در انگلیسی هفت ضمیر اصلی زبان انگلیسی زمانی که به عنوان فاعل به کار می روند یک شکل و زمانی که به عنوان مفعول به کار می روند شکل دیگری دارند. توجه داشته باشید که برخی از ضمایر فاعلی با ضمایر مفعولی یکسان هستند.

ضمایر معادل در فارسی انواع ضمیر مفعولی در انگلیسی انواع ضمیر فاعلی در انگلیسی

من I

You You

او (منکر) Him He

او (موث) Her She

او (غیر انسان) It It

ما Us We

آنها Them They

جدول ضمایر مفعولی و فاعلی

در زبان انگلیسی برخلاف زبان فارسی برای اشاره به سوم شخص مفرد چه در جایگاه فاعل و چه مفعول باید به جنسیت توجه کنیم. و همچنین هنگامی که به آب و هوا، دما، زمان، یک جسم بی جان یا کوکی یا حیوانی با جنسیت نامشخص اشاره می شود، می توان از ضمیر (It) استفاده کرد. مانند مثال زیر:

The bread is stale. You can feed it to the birds.

نان بیات شده است. می توانید آن را به پرنده‌گان بدهید.

در زبان انگلیسی هر دو ضمیر مفعولی برای دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع یکسان هستند. چه بخواهیم یک نفر را خطاب کنیم چه هزار نفر، ضمیر مفعول همیشه You است.

با فتن فاعل و مفعول در جمله گاهی اوقات تشخیص ضمایر فاعل و مفعول در جمله دشوار است. یادآوری این نکته می تواند مفید باشد که فاعل و مفعول یک جمله اسم یا ضمیر خواهد بود پس در ابتداء اسمی و فعل ها را به طور ذهنی از بقیه ای کلمات جدا کنید. فاعل کلمه ای است که عمل فعل را انجام می‌دهد یا در حقیقت انجام دهنده است. در حالی که مفعول اسم یا ضمیری است که تحت تأثیر عمل فاعل جمله قرار می‌گیرد است یا به کلام دیگر عمل فعل بر روی آن انجام می‌شود. به مثال‌های زیر که شامل هر دو ضمیر هستند توجه کنید:

I want you to read this book.

از شما می خواهم این کتاب را بخوانید.

You are the fastest runner on the team, and we're depending on you.

شما سریعترین دونده تیم هستید و ما به شما وابسته هستیم..

They talked to me about acting in the play.

درباره بازی در نمایش با من صحبت کردند.

توجه داشته باشید ضمایر مفعولی میتوانند با هم در یک جمله به کار روند و دو یا چند مورد از آن ها را در جمله داشته باشیم.

He told my sister and me to stay quiet

او به من و خواهرم گفت ساکت بمانیم.

تفاوت ضمایر مفعولی و فاعلی در حالی که بیشتر انگلیسی زبان به طور غریزی نحوه استفاده از ضمایر فاعل و مفعول را در بیشتر زمینه ها می دانند، گاهی اوقات سردرگمی با ترکیباتی مانند I you and me you and me یا you and me را خ می دهد. هر یک از اینها بسته به نقششان در جمله می توانند انتخاب صحیحی باشد.

ضمیر You که در هر دو نوع فاعلی و مفعولی تغییر نمی کند. در حالی که بخشن متغیر ضمیر یا اسم دیگر است. برای انتخاب صحیح از میان گروه فاعلی یا مفعولی بهتر است این شیوه استفاده کنید. تصور کنید یکی از دو کلمه اگر حذف شود جمله به کدام ضمیر نیاز دارد. به مثال های زیر توجه کنید. در هر دو نمونه جمله ای اول اشتباه و جمله ای دوم صحیح است:

You and me went to the beach. ["me went"]

You and I went to the beach. ["I went"]

در جمله ای اول با در نظر نگرفتن ضمیر You ضمیر Me باقی میماند که این یکی از ضمیرهای مفعولی بوده و نمیتواند در نقش فاعل ظاهر شود در حالی که ضمیر فاعلی ا صحیح می باشد.

If you have any questions, just ask I. ["just ask I"]

If you have any questions, just ask me. ["just ask me"]

در این مثال نیز با نادیده گرفتن اسم میتوانیم به آسانی ضمیر مورد نیاز را تشخیص دهیم. این جمله به ضمیر مفعولی نیاز دارد.

فراموش نکنید در گرامر ضمایر مفعولی و ضمایر ترکیب دو ضمیر فاعلی و مفعولی در هر حالتی اشتباه است. برای نموده ترکیب **I and him** اشتباه است.

ضمایر ملکی

ضمایری هستند که برای ملکیت دادن چیزه به یک شخص استفاده می‌شود مثلاً زمانی که می‌خواهید در مورد کیف خوب صحبت کنید یا از واژه کیف من (my bag) استفاده کنید در اینجا (my) ضمیر ملکی برای من است بقیع ضمایر ملکی به قرار زیر است

کیف من My bag

کیف تو Your bag

کیف او (مونث) Her bag

کیف او (مذکور) His bag

پای آن (حیوان. اشیا) Its foot

کیف ما Our bag

کیف آن ها Their bag

Should

این فعل یک فعل کمکی است یعنی باید آن را به همراه یک فعل دیگر به کار برد. این فعل برای دادن پیشنهاد یا نصیحت کردن در مواردی که ترجیح بر انجام کاری یا نیاز به انجام کاری است استفاده می‌شود.

مثال:

I have a Toothache.
You should visit a dentist.

My clothes are dirty.
I should wash them.

I want to learn English.
You should go to English class

حالات منفی این فعل همچنین برای نهی کردن از کاری استفاده می‌شود که نیازی به انجام آن نیست یا انجام آن مناسب نیست.

مثال:

We shouldn't buy something that we don't need them.

You shouldn't leave your book in home you need it in class.

نکر:

بعد از **should** فعل باید به شکل کاملا ساده استفاده شود یعنی بعد از آن نباید از **to** و **ing** استفاده کرد

I should to drink water X
I should drink water ✓

You shouldn't eating candy X
You shouldn't eat candy ✓

افعال: action

افعالی هستند که دارای حس و حالت هستند مانند.....
برای مثال در اینجا استفاده از go و have را بررسی می کنیم .

I go to school /I have a car

You go to school /you have a car

We go to school /we have a car

They go to school /they have a car

....

She goes to school /she has a car

He goes to school /he has a car

....

برای منفی کردن جملات بالا بند از don't و برای she .he .it و اسمی از doesn't استفاده کنیم

I don't go to school /I don't have a car

You don't go to school /you don't have a car

We don't go to school /we don't have a car

They don't go to school /they don't have a car

She doesn't go to school /she doesn't have a car

He doesn't go to school /she doesn't have a car

....

برای سوالی کردن جملات بالا کافیست از do و does استفاده کنیم

Do I have a car? Yes, I do - No I don't

Do you have a car? Yes I/We do - No I/We don't

Do we have a car? Yes, We do - No We don't

Do they have a car? Yes, they do - No they don't

....

Does she have a car? Yes, she does - No she doesn't

Does he have a car? Yes, he does - No he doesn't

Does Ali have a car? Yes, he does - No he doesn't

Does your mom have a car? Yes, she does - No she doesn't

به معنی وجود داشتن است و هنگامی از آن ها استفاده می کنیم که به حضور یا وجود داشتن چیزی اشاره کنیم
از برای اشاره به یک جسم یا شخص و از there are برای اشاره به چند جسم و چند شخص استفاده می کنیم

There is a girl in the class

There is a desk on the table

There are three cars in garage

There are four men in the yard

برای سوالی کردن جملات بالا کافی است جای فعل و there را جا به جا کنیم

Are there any girls in the class?

Yes, there is a girl

Yes there are three girls

Is there a pen on the table?

Yes, there is

No there isn't

حروف اضافه :

برای ادریس دادم و مسایل در مکان های مختلف یا صحبت در مورد مکان های مختلف می توان از حروف اضافه زیر استفاده کرد

On بالا

Where is your bag ?

My book is on the desk

In: داخل درون

Where is your bag?

My book is in my bag

Where is your bag ?

Under: پایین

My book is under the bed

برای صحبت در مورد مکان ها می توان از حروف اضافه at, in, on استفاده کرد اما توجه داشته باشید در انگلیسی بعضی موارد فقط می توانند با یک حرف اضافه خاص استفاده شوند در پن معنی کنید ان هارا به خاطر بسپارید

قبل از کشور ها، قاره ها، شهری که شخصی در آن زندگی می کند باید از **in** استفاده کرد

Ali lives in Mashhad

Ali lives in Iran

Ali lives in Asia

برای صحبت در مورد خیابان، جاده، گوچه باید از **on** استفاده کرد

Sara lives on Hill street

حال اگر قصد اشاره به شماره خیابان را دارید باید از **at** استفاده کنید

Sara lives at 44Hill street

برای صحبت در مورد اتاق های خانه از **in**

Mum is in the Kitchen

Bed room

Class

و غیره

قبل از **work, school, home** باید از حرف اضافه **at** استفاده کرد

You should stay at home

I am at work I can't speak with you

Sara is at school she isn't at home

حروف اضافه زمان :

حروف اضافه زمان نیز مجدد همان **at, in, on** هستند اما فراموش نکنید که در انگلیسی باید به خاطر بسپارید که برای

چه مواردی باید از کدام حرف اضافه استفاده کرد

:At

قبل از صحبت در مورد یک ساعت مشخص و کامل :

I go to school at one o'clock (ساعت کامل است و دقیقه به آن اضافه نشده)

I go to school at one -thirty **X**

قبل از استفاده از کلمه **night**

I will see you at night

We sleep at night

:In

قبل از به کار بردن نام ماه ها

My birthday in in October

قبل از سال ها

I was born in 2005

قبل از morning ,evening ,afternoon

I have class in the morning

I go to gym in the afternoon

I watch TV in the evening

:On

قبل از روز های هفته

I have Arabic class on Monday

Can you come here on Sunday?

قبل از تاریخ های دقیق

I was born on October. 31.1991

:From...to

زمانی که می خواهید در مورد یک بازه زمانی صحبت کنید باید از این حرف اضافه استفاده کنید

I have class from 1:00 to 3:30

ریدینگ های منتخب کتاب Introductory Steps To Understanding

همراه با معنی :

1.

Mr. Jones had a few days' holiday, so he said, 'I'm going to go to the mountains by train. He put on his best clothes, took a small bag, went to the station and got into the train. He had a beautiful hat, and he often put his head out of the window during the trip and looked at the mountains. But the wind pulled his hat off. Mr. Jones quickly took his old bag and threw that out of the window too.

The other people in the carriage laughed. Is your bag going to bring your beautiful hat back?" they asked.

'No, Mr. Jones answered, but there's no name and no address in my hat, and there's a name and an address on the bag. Someone's going to find both of them near each other, and he's going to send me the bag and the hat.'

ترجمه:

آقای جونز چند روز تعطیل داشت. بنابراین او گفت: "من با قطار به کوه می روم." او بهترین لباس هایش را پوشید، کیف کوچکی برداشت، به ایستگاه رفت و سوار قطار شد. او کلاه زیبایی داشت او در سفر اغلب سرش را از پنجه بیرون می آورد و به کوه ها نگاه می کرد. اما باد کلاهش را برداشت.

آقای جونز به سرعت کیف قدیمی خود را برداشت و آن را نیز از پنجه به بیرون پرت کرد. افراد دیگر در واکن خنده دند. آیا کیف شما قرار است کلاه (زیبای شما) را برگرداند؟ آنها این سوال را پرسیدند.

آقای جونز پاسخ داد: نه، اما روی کلاه من هیچ نام و نشانی وجود ندارد ولی (وی کیف هم نام و نشانی وجود دارد و یکی قرار است هر دوی آنها را نزدیک هم پیدا کند و کیف و کلاه را برای من بفرستد.

2.

An old lady went out shopping last Tuesday. She came to a bank and saw a car near the door. A man got out of it and went into the bank. She looked into the car. The keys were in the lock.

The old lady took the keys and followed the man into the bank.

The man took a gun out of his pocket and said to the clerk, 'Give me all the money!'

But the old lady did not see this. She went to the man, put the keys in his hand and said, 'Young man, you're stupid! Never leave your keys in your car: someone's going to steal it!'

The man looked at the old woman for a few seconds. Then he looked at the clerk and then he took his keys, ran out of the bank, got into his car and drove away quickly, without any money.

ترجمه:

یک پیروز سه شنبه گذشته برای خرید رفت بیرون. او به بانک رفت و ماشینی را نزدیک در دید. یک مردی از آن خارج شد و به داخل بانک رفت. پیروز به ماشین نگاه کرد. کلید در قفل بود.
پیروز کلیدها را برداشت و به دنبال مرد وارد بانک شد.

مرد اسلحه ای از جیبش درآورد و به منشی گفت: همه پول ها را به من بده!
اما پیروز این را ندید. به طرف مرد رفت، کلیدها را در دست او گذاشت و گفت: «جوان، تو احمقی!
هرگز کلیدهای فود را در ماشین فود رها نگن ممکنه کسی آنها را بدرزد!»

مرد پند تانیه ای به پیروز نگاه کرد. سپس به منشی نگاه کرد و بعد کلیدهایش را گرفت، از بانک بیرون آمد، سوار ماشینش شد و بدون هیچ پولی سریع رفت.

3.

Mary was an English girl, but she lived in Rome. She was six years old. Last year her mother said to her, 'You're six years old now, Mary, and you're going to begin going to a school here. You're going to like it very much, because it's a nice school.'

'Is it an English school?' Mary asked.

"Yes, it is," her mother said.

Mary went to the school, and enjoyed her lessons. Her mother always took her to school in the morning and brought her home in the afternoon. Last Monday her mother went to the school at 4 o'clock, and Mary ran out of her class.

"We've got a new girl in our class today, Mummy," she said. 'She's six years old too, and she's very nice, but she isn't English. She's German.'

'Does she speak English?' Mary's mother asked.

'No, but she laughs in English,' Mary said happily.

ترجمه:

مری یک دفتر انگلیسی بود اما در ۴ (زندگی) می کرد. او شش ساله بود. سال گذشته مادرش به او گفت: "تو الان شش ساله ای مری، و قراره اینجا به مدرسه بروی. و قراره که ازش فوشت بیاد، چون مدرسه فوبی است".

آیا این مدرسه انگلیسی است؟ مری این سوال را پرسید.
مادرش گفت: بله همینطور است.

مری به مدرسه رفت و از درس هایش لذت برد. مادرش همیشه او را صبیع به مدرسه می برد و بعد از ظهر او را به فانه می آورد. دوشنبه گذشته مادرش ساعت ۴ به مدرسه رفت و مری از کلاسش خارج شد.

او گفت: "ما امروز یک دفتر هدید در کلاس فود داریم، مامان".

مادر مری پرسید: "آیا او انگلیسی صمیمت می کند؟"
مری با خنده گفت: نه، اما او به انگلیسی می خنده.

5.

One of Harry's feet was bigger than the other. "I can never find boots and shoes for my feet," he said to his friend Dick.

Why don't you go to a shoemaker?" Dick said. "A good one can make you the right shoes."

I've never been to a shoemaker, Harry said. 'Aren't they very expensive?"

"No, Dick said, "some of them aren't. There's a good one in our village, and he's quite cheap. Here's his address." He wrote something on a piece of paper and gave it to Harry.

Harry went to the shoemaker in Dick's village a few days later, and the shoemaker made him some shoes.

Harry went to the shop again a week later and looked at the shoes. Then he said to the shoemaker angrily, You're a silly man! I said, "Make one shoe bigger than the other," but you've made one smaller than the other!"

ترجمه:

یکی از پاهای هری از دیگری بزرگتر بود. او به دوستش دیک گفت: "من هرگز نمی توانم مکمه و کفش برای پاهایم پیدا کنم."

دیک گفت: چرا پیش یک کفash نمی (وی)؟ هری گفت: من هرگز به کفash نرفته ام. آیا آنها فیلی گران نیستند؟ دیک گفت: «نه، برقی از آنها اینطور نیستند. یک کفash فوب در رستای ما هست، و قیمت های او بسیار ارزان است. آدرسش اینهاست.» او پیزی (وی) یک تکه کاغذ نوشت و به هری داد. هری پند (وی) بعد نزد کفash رستای دیک رفت و کفash پند کفش برای او درست کرد.

هری یک هفته بعد دوباره به مغازه رفت و به کفش ها نگاه کرد. بعد با عصبانیت به کفash گفت: تو آدم اهمقی هستی! گفتم: یکی از کفش ها را بزرگتر از دیگری بساز. اما یکی را کوچکتر از دیگری ساخته ای!

6.

Joe Richards finished school when he was 18, and then his father said to him, "You've passed your examinations now, Joe, and you got good marks in them. Now go and get some good work. They're looking for clever people at the bank in the town. The clerks there get quite a lot of money now."

A few days later, Joe went to the bank and asked for work there. A man took him into a small room and gave him some questions on a piece of paper. Joe wrote his answers on the paper, and then he gave them to the man. The man looked at them for a few minutes, and then he took a pen and said to Joe, 'Your birthday was on the 12th of June Mr. Richards?"

"Yes, sir," Joe said.

"What year?" the man asked.

"Oh, every year, sir, Joe said.

ترجمه:

جو ریچاردز در 18 سالگی مدرسه را تمام کرد و سپس پدرش به او گفت: "تو اکنون امتحانات را قبول شدی، جو، و نمرات خوبی در آن ها گرفتی." حالا برو به کار خوب پیدا کن. آنها به دنبال افراد باهوش در بانک در شهر هستند. کارمندان آنها در حال حاضر پول بسیار زیادی می گیرند." پس از آنکه جو به بانک رفت و در آنها درخواست کار کرد. مردی او را به اتاق کوچکی برد و پس از سوال روی یک تکه کاغذ به او داد. جو پاسخ های خود را روی کاغذ نوشت. سپس آنها را به مرد داد. مرد برای پس از دقتی به آنها نگاه کرد و سپس یک فودکار برداشت و به جو گفت: "تاریخ تولدت در 12 آوریل بود آقای ریچاردز؟"

جو گفت: بله قربان.

مرد پرسید: چه سالی؟

جو گفت: او، هر سال، قربان.

7.

Fred works in a factory. He does not have a wife, and he gets quite a lot of money every week. He loves cars, and has a new one every year. He likes driving very fast, and he always buys small, fast, red cars. He sometimes takes his mother out in them, and then she always says, "But, Fred, why do you drive these cars? We're almost sitting on the road!"

Then Fred laughs and is happy. He likes being very near the road. Fred is very tall and very fat.

Last week he came out of a shop and went to his car. There was a small boy near it. He was looking at the beautiful red car. Then he looked up and saw Fred.

'How do you get into that small car?' he asked him.

Fred laughed and said, 'I don't get into it. I put it on.'

ترجمه:

فرد در یک کارخانه کار می کند. او زن ندارد و هر هفته پول زیادی به دست می آورد. او عاشق ماشین است و هر سال یک ماشین جدید می گیرد. او (اندگی با سرعت بالا را دوست دارد و همیشه ماشین های کوچک، سریع و قرمز می فرد. او گاهی اوقات مادرش را با آنها بیرون می برد و او می گوید: "فرد، چرا همیشه در هال (وندن این ماشین هایی؟ ما همیشه در جاده ایم (در جاده نشستیم)

سپس فرد می خندد و خوشحال می شود. او دوست دارد نزدیک جاده باشد. فرد بسیار قد بلند و بسیار چاق است.

هفته پیش از مغازه بیرون آمد و به سمت ماشینش رفت. یک پسر کوچک نزدیک آن بود. او به ماشین قرمز (بیان نگاه می کرد. سپس سرش را بلند کرد و فرد را دید. از او پرسید: «چطور می توانی سوار آن ماشین کوچک شوی؟» فرد خندید و گفت: "من سوارش نمی شوم. می پوشم."

9.

Miss Williams was a teacher, and there were thirty small children in her class. They were nice children, and Miss Williams liked all of them, but they often lost clothes. It was winter, and the weather was very cold. The children's mothers always sent them to school with warm coats and hats and gloves. The children came into the classroom in the morning and took off their coats and hats and gloves. They put their coats and hats on hooks on the wall, and they put their gloves in the pockets of their coats.

Last Tuesday Miss Williams found two small blue gloves on the floor in the evening, and in the morning she said to the children, 'Whose gloves are these?', but no one answered.

Then she looked at Dick. 'Haven't you got blue gloves, Dick?' she asked him.

'Yes, miss,' he answered, 'but those can't be mine. I've lost mine.'

ترجمه:

فانم ویلیامز محلم بود و سی کودک در کلاس او بودند. آنها بچه های خوبی بودند و فانم ویلیامز همه آنها را دوست داشت، اما اغلب لباس هایشان را کم می کردند. زمستان بود و هوا فیلی سرد بود. مادرها بچه ها را همیشه با کت های گرم و کلاه و دستکش به مدرسه می فرستادند. بچه ها صبح وارد کلاس شدند و کت و کلاه و دستکش هایشان را درآوردند. کت و کلاه هایشان را روی قلاب های روی دیوار (کیره های روی دیوار) می کذارند و دستکش ها را در میب کت هایشان می کذارند. بعد از ظهر سه شنبه کذشته فانم ویلیامز دو دستکش آبی کوچک (روی زمین پیدا کرد و صبح به بچه ها گفت: "این دستکش های کی هستند؟" اما کسی جواب نداد.

سپس به دیگ نگاه کرد. او از او پرسید: "مگه تو دستکش آبی نداری، دیگ؟" او پاسخ داد: بله فانم، اما اینها نمی توانند مال من باشند. من مال خودم را کم کرده ام

10.

Whitebridge was a small village, and old people often came and lived there. Some of them had a lot of old furniture, and they often did not want some of it, because they were in a smaller house now, so every Saturday morning they put it out, and other people came and looked at it, and sometimes they took it away because they wanted it.

Every Saturday, Mr. and Mrs. Morton put a very ugly old bear's head out at the side of their gate, but nobody wanted it. Then last Saturday, they wrote, 'I'm very lonely here. Please take me,' on a piece of paper and put it near the bear's head.

They went to the town, and came home in the evening. There were now two bears' heads in front of their house, and there was another piece of paper. It said, 'I was lonely too.'

ترجمه:

وایت بریج روستایی کوچک بود و افراد مسن اغلب می آمدند و در آنها زندگی می گردند. بعضی از آنها اثاثیه قدیمی زیادی داشتند و غالباً بعضی از آنها را نمی خواستند. زیرا اکنون در خانه کوچکتری بودند، بنابراین هر شبیه صیغ آنها را بیرون خانه می گذاشتند و افراد دیگری می آمدند و به آن نگاه می گردند و گاهی اوقات آنها آن را می بردند چون آنها را می خواستند.

هر شبیه، آقا و خانم مهربون، سر یک فرس قدیمی بسیار زشت را کنار دروازه شان می گذارند، اما هیچکس آن را نمی خواست. سپس شبیه گذشته، آنها: «من اینجا فیلی تنها هستم. لطفاً من را ببرید را بر روی یک تکه کاغذ نوشتن و نزدیک سر فرس قرار دادند.

آنها به شهر رفتند و عصر به خانه آمدند. هلا دو سر فرس جلوی خانه شان بود و یک تکه کاغذ دیگر. گفتند بود: من هم تنها بودم.

13.

Mrs. Harris lives in a small village. Her husband is dead, but she has one son. He is twenty-one, and his name is Geoff. He worked in the shop in the village and lived with his mother, but then he got work in a town and went and lived there. Its name was Greensea. It was quite a long way from his mother's village, and she was not happy about this, but Geoff said, "There isn't any good work for me in the country, Mother, and I can get a lot of money in Greensea and send you some every week."

Mrs. Harris was very angry last Sunday. She got in a train and went to her son's house in Greensea. Then she said to him, 'Geoff, why do you never phone me?"

Geoff laughed. 'But, Mother," he said, 'you haven't got a phone.'

"No, she answered, 'I haven't, but you've got one!"

فانم هریس در یک روستای کوچک زندگی می کند. شوهرش مرده اما او یک پسر دارد. او بیست و یک ساله است و نامش جف است. در مغازه روستا کار می کرد و با مادرش زندگی می کرد، اما بعد در یک شهر کار پیدا کرد و رفت و آنها زندگی کرد. نام آنها گرین سی بود. فیلی از روستای مادرش فاصله داشت، و مادرش از این موضوع فوشممال نبود، اما جف گفت: "مادر، کار فوبی برای من در کشور وجود ندارد، و من می توانم در گرینسی و پول زیادی به دست بیاوه." هر هفته مقداریش را برای شما بفرستم.

فانم هریس یکشنبه گذشته بسیار عصبانی بود. او سوار قطار شد و به فانه پسرش در گرین سی رفت. سپس به او گفت: "جف، پرا هیچ وقت به من زنگ نمی زنی؟" جف خنده دید. او گفت: "اما مادر، تو که موبایل نداری." او پاسخ داد، "نه من نداشتم، اما تو که یکی داری."

14.

Mr. Robinson never went to a dentist, because he was afraid, but then his teeth began hurting a lot, and he went to a dentist. The dentist did a lot of work in his mouth for a long time. On the last day Mr. Robinson said to him, "How much is all this work going to cost?" The dentist said. Twenty-five pounds," but he did not ask him for the money.

After a month Mr. Robinson phoned the dentist and said, you haven't asked me for any money for your work last month.

"Oh, the dentist answered, 'I never ask a gentleman for money.

Then how do you live?' Mr. Robinson asked.

Most gentlemen pay me quickly," the dentist said, "but some don't. I wait for my money for two months, and then I say, 'That man isn't a gentleman,' and then I ask him for my money.

ترجمه:

آقای رابینسون هیچوقت به دندانپزشکی نمی‌رفت، زیرا می‌ترسید، اما کمی بعد دندان‌هایش به شدت درد گرفت و به دندانپزشک رفت. دندانپزشک برای مدت طولانی کارهای زیادی در دهان او انجام داد. روز آفر آقای رابینسون به او گفت: "هزینه این همه کار چقدر است؟" دندانپزشک گفت. بیست و پنج پوند" اما از او پول درخواست پول نکرد.

بعد از یک ماه آقای رابینسون با دندانپزشک تماس گرفت و گفت. تو ماه گذشته از من پولی برای کاری که انجام دادی نخواستی.

دندانپزشک پاسخ داد: "اوه من هرگز از یک آقا مهترم پول نمی‌فواهم.

پس چگونه فرج زندگی فود را در می‌آورید؟ آقای رابینسون این سوال را پرسید.

دندانپزشک گفت: اکثر آقایان مهترم سریع به من پول می‌دهند، اما برفی نمی‌دهند. دو ماه منتظر پولم می‌مانم و بعد می‌کویم آن آقا مهترم آقا مهترمی نیست و از او پول می‌فواهم.

15.

Bill likes football very much, and he often goes to matches in our town on Saturdays. He does not go to the best seats, because they are very expensive and he does not see his friends there.

There was a big football match in our town last Saturday. First it was very cold and cloudy, but then the sun shone, and it was very hot.

There were a lot of people on benches round Bill at the match. Bill was on one bench, and there was a fat man on a bench behind him. First the fat man was cold, but then he was very hot. He took his coat off and put it in front of him, but it fell on Bill's head. Bill was not angry. He took the coat off his head, looked at it and then smiled and said, "Thank you but where are the trousers?"

ترجمه:

بیل فوتبال را بسیار دوست دارد و او معمولاً شنبه‌ها به تماشای مسابقات شهرمان می‌رود. او بهترین صندلی‌ها را نمی‌گیرد. زیرا آنها بسیار کران هستند و دوستان فود را آنها نمی‌بینند.

شنبه گذشته یک مسابقه فوتبال بزرگ در شهر مان برگزار شد. ابتدا هوا بسیار سرد و ابری بود، اما بعد فوراً شدید تابید و هوا بسیار گرم شد.

در این مسابقه افراد زیادی روی نیمکت‌های دور بیل مخصوص داشتند. بیل روی یک نیمکت نشسته بود و مردی چاق روی نیمکت پشت سرنش نشسته بود. مرد چاق اول سرداش بود ولی بعد فیلی گردید. کتش را درآورد و جلویش گذاشت، اما آن روی سر بیل افتاد. بیل عصبانی نشد. کت را از روی سرنش برداشت و به آن نگاه کرد و سپس لب‌فندی زد و گفت: ممنون اما شلوار کجاست؟

16.

Peter was eight and a half years old, and he went to a school near his house. He always went there and came home on foot, and he usually got back on time, but last Friday he came home from school late. His mother was in the kitchen, and she saw him and said to him, 'Why are you late today, Peter?"

'My teacher was angry and sent me to the headmaster after our lessons, Peter answered.

To the headmaster?" his mother said. "Why did she send you to him?"

'Because she asked a question in the class, Peter said, 'and none of the children gave her the answer except me."

His mother was angry. "But why did the teacher send you to the headmaster then? Why didn't she send all the other stupid children?" she asked Peter.

'Because her question was, "Who put glue on my chair?"" Peter said.

ترجمه:

پیتر هشت و نیم ساله بود و به مدرسه ای نزدیک خانه اش می رفت. همیشه به آنها می رفت و پیاده به خانه باز می گشت و معمولا به موقع برمی گشت. اما جمجمه گذشته دیر از مدرسه به خانه می آمد. مادرش در آشپزخانه بود و او را دید و به او گفت: "چرا امروز دیر آمدی پیتر؟"
پیتر پاسخ داد: «معلم عصبانی بود و بعد از درس هایمان مرا پیش مدیر مدرسه فرستاد.
مادرش گفت: "پیش مدیر مدرسه؟ چرا تو را پیش او فرستاد؟"
پیتر گفت، چون او در کلاس سوالی پرسید، و هیچ یک از بچه ها به جز من جوابش را نداد.
مادرش عصبانی بود. اما چرا معلم تو را نزد مدیر مدرسه فرستاد؟ چرا بقیه بچه های احمق (ا
نفرستاد) او این سوال را از پیتر پرسید.
پیتر گفت: "چون سوال او این بود: "چه کسی (وی صندلی من چسب ریخته؟"

18.

Mr. White has a small shop in the middle of our town, and he sells pictures in it. They are not expensive ones, but some of them are quite pretty. Last Saturday a woman came into the shop and looked at a lot of pictures. Then she took Mr. White to one of them and said, 'How much do you want for this one?' It was a picture of horses in a field.

Mr. White looked at it for a few seconds and then went and brought his book. He opened it, looked at the first page and then said, 'I want twenty pounds for that one.'

The woman shut her eyes for a few seconds and then said, 'I can give you two pounds for it.'

'Two pounds?' Mr. White said angrily. 'Two pounds? But the canvas cost more than two pounds.'

'Oh, but it was clean then, the woman said.

ترجمه:

آقای وايت یک مغازه کوچک در وسط شهر ما دارد و در آن عکس می فروشد. آنها گران نیستند. اما برفی از آنها بسیار زیبا هستند. شنبه گذشته زنی وارد مغازه شد و عکس های زیادی را نگاه کرد. سپس آقای وايت را پیش یکی از آنها برد و گفت: «برای این یکی چقدر پول میگیری؟» اون یک عکس از اسب هایی در یک مزرعه بود.

آقای وايت برای چند ثانیه به آن نگاه کرد و سپس رفت و کتابش را آورد. او آن را باز کرد، به صفحه اول نگاه کرد و سپس گفت: «من برای آن بیست پوند می گیرم».

زن برای چند ثانیه پیشمانش را بست و سپس گفت: «برای آن دو پوند به تو می دهم». آقای وايت با عصبانیت گفت: «دو پوند؟ دو پوند؟ اما قیمت بومش بیشتر از دو پوند است. (زن گفت: او، اما آن موقع تمیز بود (فالی بود).

19.

Miss Green had a heavy cupboard in her bedroom. Last Sunday she said, 'I don't like this cupboard in my bedroom. The bedroom's very small, and the cupboard's very big. I'm going to put it in a bigger room. But the cupboard was very heavy, and Miss Green was not very strong. She went to two of her neighbors and said, 'Please carry the cupboard for me.' Then she went and made some tea for them.

The two men carried the heavy cupboard out of Miss Green's bedroom and came to the stairs. One of them was in front of the cupboard, and the other was behind it. They pushed and pulled for a long time, and then they put the cupboard down.

'Well,' one of the men said to the other, "we're never going to get this cupboard upstairs."

'Upstairs?' the other man said. "Aren't we taking it down- stairs?"

ترجمه:

فانم گرین یک کمد سنگین در اتاق فوابش داشت. یکشنبه گذشته او گفت: "نمی فواهم این کمد در اتاق فوابم باشد. اتاق فواب بسیار کوچک و کمد بسیار بزرگ است. من می فواهم آن را در یک اتاق بزرگتر بگذارم. اما کمد فیلی سنگین بود و فانم گرین فیلی قوی نبود. پیش دو نفر از همسایه هایش رفت و گفت: «لطفاً کمد را برای من جا به جا کنید.» سپس رفت و برای آنها چاچ درست کرد.

دو مرد کمد سنگین را از اتاق فواب فانم گرین بیرون آوردند و به سمت پله ها آمدند. یکی جلوی کمد بود و دیگری پشت آن. مدت زیادی هل دادند و گشیدند و بعد کمد را گذاشتند پایین. یکی از مرد ها به دیگری گفت: "فب، ما هرگز موفق نمی شویم این کمد را به طبقه بالا ببریم."

مرد دیگر پرسید: "طبقه بالا؟" مگه نمی برمیش طبقه پایین؟

22.

George is a young man. He does not have a wife, but he has a very big dog and he has a very small car too. He likes playing tennis. Last Monday he played tennis for an hour at his club, and then he ran out and jumped into a car. His dog came after him, but it did not jump into the same car; it jumped into the next one.

Come here, silly dog!" George shouted at it but the dog stayed in the other car.

George put his key into the lock of the car, but the key did not turn. Then he looked at the car again. It was not his! He was in the wrong car! And the dog was in the right one! "He's sitting and laughing at me!" George said angrily. But then he smiled and got into his car with the dog.

ترجمه:

جورج مرد جوانی است. او زن ندارد. اما یک سگ بسیار بزرگ و یک ماشین بسیار کوچک نیز دارد. او دوست دارد تنس بازی کند. دوشنبه گذشته او یک ساعت در باشگاه تنس بازی کرد و بعد از آن بیرون دوید و سوار ماشین شد. سگش به دنبالش آمد. اما داخل آن ماشین نپرید. و داخل ماشین بعدی پرید.

جورج بر سر آن فریاد زد: "بیا اینها، سگ اهمقا" اما سگ در ماشین دیگر ماند. جورج کلیدش را داخل قفل ماشین گذاشت. اما کلید نهرفید. بعد دوباره به ماشین نگاه کرد. آن مال او نبودا او در ماشین اشتباهی بودا و سگ در ماشین درست بودا جورج با عصبانیت گفت: "او نشسته و به من می‌خنددا" اما بعد لبخندی زد و با سگ سوار ماشینش شد.

Answerseng

نمونه سوالات دو ترم قبل

Vocabulary

1. People on the train laughed at Mr. Jones after he quickly took his old bag and threw it out of the.....
 - a. carriage
 - b. booth
 - c. shop
 - d. camp
2. The room was crowded with small pieces of wooden..... covered with dust.
 - a. coats
 - b. gloves
 - c. furniture
 - d. paper
3. Mr. Robinson told his students that most wild animals are probably of human beings.
 - a. happy
 - b. afraid
 - c. stupid
 - d. kind
4. Our teacher was very. today because one student had put glue on his chair.
 - a. angry
 - c. strong
 - b. happy
 - d. proud

5. I am happy today because our teacher asked a difficult question in the class, and of the students answered except me.

- a. many
- b. none
- c. all
- d. some

6. It is difficult to find practical clothes in the small clothes shop in the town. But, I was lucky today because I found a(n) dress to buy for the wedding party.

- a. ugly
- b. serious
- c. pretty
- d. poor

7. Mrs. Brown took a mug from the and poured herself a cup of coffee.

- a. canvas
- b. picture
- c. cupboard
- d. map

8. Police officers at the airport our documents carefully.

- a. cleaned
- b. erased
- c. ignored
- d. inspected

9. I cannot find a job in this small but if I move to a big town, I can get a lot of money and send my family some weekly.

- a. house
- b. ocean
- c. village
- d. movie

Grammer

10. She is wearing boots boots are old.

- a. Your
- b. Her
- c. His
- d. Their

11. An orange is ...round.

- a. a
- b. an
- c. the
- d. –

12. make scrambled question in order.

the glasses- are- the table - on?

13. There Two boys in the class.

- a. is
- b. are
- c. have
- d. has

14. make scrambled question in order.

"You have a special grammar book"

you-have- do -a special grammar book?

15. In which of the following nouns "y" changes to "ies" in the plural form?

- a. City
- b. Key
- c. Delay
- d. Holiday

16. My dog has four puppies.....cute.

- a. Their
- b. It is
- c. They're
- d. Its

17. Which order shows the correct use of "should"?

I-should-to-not-home-stay

Reading

One of Harry's feet was bigger than the other. "I can never find boots and shoes for my feet," he told his friend Dick.

Why don't you go to a shoemaker? Dick said. "A good one can make you the right shoes.

I've never been to a shoemaker," Harry said. "Aren't they very expensive?" "No," Dick said, "some of them aren't. There's a good one in our village, and he's quite cheap. Here's his address. He wrote something on a piece of paper and gave it to Harry. Harry went to the shoemaker in Dick's village a few days later, and the shoemaker made him some shoes. Harry went to the shop again a week later and looked at the shoes. Then he said to the shoemaker angrily, "You're a silly man! I said, make one shoe bigger than the other, but you've made one smaller than the other!"

18. Which of the following sentences is correct about Harry?

- a. Harry's feet were of the same size.
- b. Harry had never been to a shoemaker.
- c. The shoemaker was from Harry's village.
- d. Harry went back to the shoemaker two weeks later.

19. In line 5, what does "he" refer to?

- a. Harry
- b. Dick's Friend
- c. Dick
- d. Shoemaker

20. When did Harry go to the shoemaker again?

- a. One week later
- b. A few days later
- c. Two weeks later
- d. The next day

Miss Williams was a teacher, and thirty small children were in her class. They were lovely children, and Miss Williams liked all of them, but they often lost clothes. It was winter, and the weather was very cold. The children's mothers always sent them to school with warm coats, hats, and gloves. The children came into the classroom in the morning and took off their coats, hats, and gloves. They put their coats and hats on hooks on the wall and put their gloves in the pockets of their coats. Last Tuesday, Miss Williams found two small blue gloves on the floor in the evening, and in the morning, she said to the children, "Whose gloves are these?" but no one answered.

Then she looked at Dick. "Haven't you got blue gloves, Dick?" she asked him.

"Yes, miss," he answered, but those can't be mine. I've lost mine."

True or false

21. There were forty children in Miss Williams' class.

22. Miss Williams found one small glove.

23. She found the gloves in the morning.

24. The gloves were Dick's.

25. Which of the following a, b, c, or d is the name of The Airport Express Train in OSLO?

- a. Nationaltheatret
- b. Sentralstasjon
- c. Flytoget
- d. Oslo

26. The author mentions "20 minutes" in the text to talk about the Train's Journey time between Airport and

- a. Nationaltheatret.
- b. City Center
- c. Oslo Sentralstasjon.
- d. Unerground

27. What does the sign mean?

- a. Only fire can exit.
- b. This door is always open.
- c. You can get out when there is a fire.
- d. Anyone can get out.

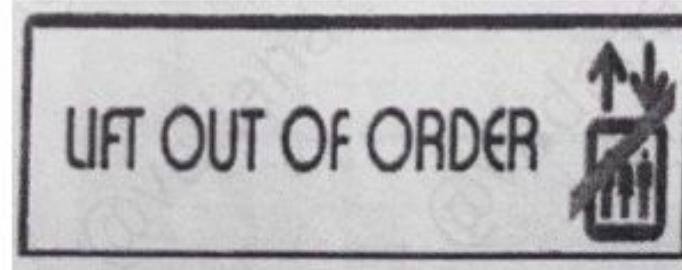
Public Transport into Oslo

TRAIN: The Airport Express Train (Flytoget) is the quickest way (Journey time: 20 minutes) into the city center. Some Flytoget trains run between the airport and Oslo Sentralstasjon only. Others also stop at underground stations, including the main underground station Nationaltheatret.



28. What does the sign mean?

- a. You can go up to the second floor in the lift.
- b. You can go up to the first floor in the lift.
- c. The lift does not work.
- d. The lift is out of reach.



29. According to the shop opening hours on the right, HMV records is....

- a. open at 8 pm on Thursday.
- b. close at 4 pm on Sundays.
- c. open at 10 am at weekdays.
- d. close at 8.30 am on weekends.

30. Shila wants to go to HMV records. She thought "Perhaps I can go before I go to school at 9 am". Which question does she need to know the answer to?

- a. Is it open on Sundays?
- b. Is it open late one evening?
- c. What time does it open in the morning?
- d. What time does it close in the evening?

Monday	08.30 – 6.30
Tuesday	08.30 – 6.30
Wednesday	08.30 – 6.30
Thursday	08.30 – 7.00
Friday	08.30 – 6.30
Saturday	08.30 – 6.30
Sunday	11.00 – 5.00

True or false

31. The cheapest starter is the soup of the day.
32. Thai chicken is suitable for vegetarians.
33. One can have fruit for a starter.

appetisers

Goat's cheese salad  £3.75
Soft cheese on a mixed salad.

Thai chicken £3.25
Tender chicken pieces served with a sweet Thai sauce.

Soup of the day  £2.95
Ask a member of staff for today's soup. Served with a bread roll & butter.

 Suitable for vegetarians.

Mr. Ahmadi would like to choose a place to stay. He asks SOME

Negertiti Hotel

Luxor, Egypt

FREE SERVICES

@Answerseng

For our guests, we provide free luggage storage and showers after checkout. Brochures and maps are available at the front desk. As always, we offer friendly and helpful service.

We also have:

- Satellite TV in the public rooms
- Internet service
- Laundry service
- Bike rentals
- Transportation
- Room service
- Souvenir shop

QUESTIONS. Using the text below, decide which sentences are true and which are false.

34. Can I use the Internet?
35. Is there a laundry service?
36. Can I buy some cinema tickets there?

نمونه سوالات دو ترم قبل همراه جواب و توضیح

Vocabulary

1. People on the train laughed at Mr. Jones after he quickly took his old bag and threw it out of the.....

- a. carriage
- b. booth
- c. shop
- d. camp

گزینه a: سوال از ریدینگ 1 است که گفته آقای جونز سریع وسایلش را از ... بیرون ازدشت که میشه به معنی کابین carriage.

2. The room was crowded with small pieces of wooden..... covered with dust.

- a. coats
- b. gloves
- c. furniture
- d. paper

گزینه c: سوال گفته اتاق پر بود از قطعات کوچک چوبی که با خاک پوشیده شده بود که گزینه سی به معنای اثاثیه و وسایل منطقی ترین گزینه است

3. Mr. Robinson told his students that most wild animals are probably of human beings.

- a. happy
- b. afraid
- c. stupid
- d. kind

گزینه b: آقای رابینسون گفته خطرناک ترین حیوانات احتمالا از انسان که گزینه b بمعنای ترسیدن (می ترسن) صحیحه

4. Our teacher was very. today because one student had put glue on his chair.

- a. angry
- c. strong
- b. happy
- d. proud

گزینه a: گفته معلم ما امروز خیلی بود چون یکی از دانش آموزها روی صندلیش چسب ریخته بود
که میشه گزینه a به معنای عصبانی

5. I am happy today because our teacher asked a difficult question in the class, and of the students answered except me.

- a. many
- b. none
- c. all
- d. some

گزینه b: گفته امروز خوشحالم چون معلم ما یک سوال سخت پرسید و دانش آموز جواب دادن بجز من خب چون گفته خوشحالم یعنی سوال سخت را جواب داده پس گزینه b میشه یعنی هیچکدام چون گزینه های دیگر برای مثال تعدادی باعث میشه جمله آخر منفی بشه یعنی جواب نداده.

6. It is difficult to find practical clothes in the small clothes shop in the town. But, I was lucky today because I found a(n) dress to buy for the wedding party.

- a. ugly
- b. serious
- c. pretty
- d. poor

گزینه c: گفته سخت بود که لباس مناسب را در لباس فروشی های کوچک شهر پیدا کنم اما خوش شانس بودم چون یک لباس زنانه پیدا کردم که برای مراسم عروسی بخرم. چون میگه خوش شانس بودم یعنی یک لباس خوب پیدا کرده و تنها صفت مثبت در گزینه ها pretty به معنای زیبایست.

7. Mrs. Brown took a mug from the and poured herself a cup of coffee.

- a. canvas
- b. picture
- c. cupboard
- d. map

گزینه c: چون گفته خانوم براون یک لیوان از.... برداشت و برای خودش قهوه ریخت که میشه cupboard به معنای کابینت یا قفسه

8. Police officers at the airport our documents carefully.

- a. cleaned
- b. erased
- c. ignored
- d. inspected

گزینه d: چون گفته افسران پلیس در فرودگاه مدارک ما را با دقت..... کردن که میشه inspected به معنای بازرسی کردن.

9. I cannot find a job in this small but if I move to a big town, I can get a lot of money and send my family some weekly.

- a. house
- b. ocean
- c. village
- d. movie

گزینه c: چون گفته من نمی توانم در این کوچک کار پیدا کنم اما اگه برم به یک شهر بزرگ می تونم کلی پول در بیاورم و مقداری از آنرا هفتگی برای خانواده ام بفرستم که میشه village به معنای روستا.

Grammer

10. She is wearing boots boots are old.

- a. Your
- b. Her
- c. His
- d. Their

گزینه b : طبق توضیحات بخش گرامر صفت مالکیت **her** **she** می شود ترجمه او چکمه پوشیده چکمه هایش قدیمی هستند.

11. An orange is ...round.

- a. a
- b. an
- c. the
- d. -

گزینه d : چون برای **round** بعضی گرد که صفت است اوردن **a / an / the** اشتباهه

12. make scrambled question in order.

the glasses- are- the table - on?

گفته جمله سوالی را مرتب کنید با توجه به علامت سوال و وجود فعل **tobe** (are) فعل توبی را ابتداء جله سوالی می اوریم سپن فاعل و بقیه جمله **are the glasses on the table ?**

13. There Two boys in the class.

- a. is
- b. are
- c. have
- d. has

گزینه b : خب می دانیم که بعد از **there** و **have** **has** نمی آید بلکه فعل **tobe** می آید دو پسر سوم شخص جمع است پس **are** گزینه صحیح است.

14. make scrambled question in order.

"You have a special grammar book"

you-have- do -a special grammar book?

جمله سوالیه و **do** داریم پس با **do** جمله را سوالی می کنیم بعده فاعل و بعد فعل **have** و ادامه جمله

Do you have a special grammar book?

15. In which of the following nouns "y" changes to "ies" in the plural form?

- a. City
- b. Key
- c. Delay
- d. Holiday

گزینه a: همانطور که در بخش گرامر گفته شد اگر قبل y حرف صدا دار باشد کلمه با **ies** به شکل جمع تبدیل میشود که city تنها گزینه است که قبل y حرف بی صدا آمده.

16. My dog has four puppies.....cute.

- a. Their
- b. It is
- c. They're
- d. Its

گزینه c: گفته سگ من چهار توله داره چون تعداد توله سگ ها بیشتر از یکی است پس از **they're** به معنای آنها هستند استفاده می کنیم معنای کامل جمله: سگ من چهار توله دارد آنها بانمک هستند.

17. Which order shows the correct use of "should"?

I-should-to-not-home-stay

سوال گفته چگونه از فعل **should** استفاده می شود خب اول فاعل را می آوریم سپس فعل کمکی **not** سپس فعل اصلی و ادامه جمله **to** اضافی است **I should not stay home.**

Reading

One of Harry's feet was bigger than the other. "I can never find boots and shoes for my feet," he told his friend Dick.

Why don't you go to a shoemaker? Dick said. "A good one can make you the right shoes.

I've never been to a shoemaker," Harry said. "Aren't they very expensive?" "No," Dick said, "some of them aren't. There's a good one in our village, and he's quite cheap. Here's his address. He wrote something on a piece of paper and gave it to Harry. Harry went to the shoemaker in Dick's village a few days later, and the shoemaker made him some shoes. Harry went to the shop again a week later and looked at the shoes. Then he said to the shoemaker angrily, "You're a silly man! I said, make one shoe bigger than the other, but you've made one smaller than the other!"

ترجمه این ریدینگ در صفحه 23 بطور کامل وجود دارد.

18. Which of the following sentences is correct about Harry?

- a. Harry's feet were of the same size.
- b. Harry had never been to a shoemaker.
- c. The shoemaker was from Harry's village.
- d. Harry went back to the shoemaker two weeks later.

گزینه b: سوال گفته کدام گزینه راجب هری صحیحه گزینه اول: پاهای هری هم سایز بود که می دانیم اینطور نبود گزینه دوم: هری قبلا هیچوقت به کفایشی نرفته بود که صحیحه گزینه سوم کفایش از روستای هزی بود که نادرسته گزینه چهارم: هری دو هفته بعد برگشت پیش کفایش که طبق ریدینگ یک هفته بعد برگشت پس نادرسته.

19. In line 5, what does "he" refer to?

- a. Harry
- b. Dick's Friend
- c. Dick
- d. Shoemaker

گزینه d: گفته در خط پنجم منظور he (که زیر آن خط کشیده) چه کسی است که با توجه به جمله های قبل می دانیم راجب کفایش حرف می زند که قیمت هایش ارزان است.

20. When did Harry go to the shoemaker again?

- a. One week later
- b. A few days later
- c. Two weeks later
- d. The next day

گزینه a: پرسیده هری کی دوباره به کفاشی برگشت؟ که طبق ریدینگ یک هفته بعد برگشت.

Miss Williams was a teacher, and thirty small children were in her class. They were lovely children, and Miss Williams liked all of them, but they often lost clothes. It was winter, and the weather was very cold. The children's mothers always sent them to school with warm coats, hats, and gloves. The children came into the classroom in the morning and took off their coats, hats, and gloves. They put their coats and hats on hooks on the wall and put their gloves in the pockets of their coats. Last Tuesday, Miss Williams found two small blue gloves on the floor in the evening, and in the morning, she said to the children, "Whose gloves are these?" but no one answered.

Then she looked at Dick. "Haven't you got blue gloves, Dick?" she asked him.

"Yes, miss," he answered, but those can't be mine. I've lost mine."

ترجمه این ریدینگ در صفحه 26 بطور کامل وجود دارد.

True or false

21. There were forty children in Miss Williams' class.

زیرا گفته 40 دانش آموز در کلاس خانم ویلیامز هست در حالی که طبق ریدینگ 30 دانش آموز دارد. False

22. Miss Williams found one small glove.

گفته خانم ویلیامز یک دستکش کوچک پیدا کرد در حالی که دو دستکش کوچک پیدا کرده بود. False

23. She found the gloves in the morning.

گفته خانم ویلیامز صبح دستکش هارا پیدا کرد در حالی که در ریدینگ گفته شده آنها را عصر پیدا کرد. False

24. The gloves were Dick's.

گفته دستکش ها مال دیک بودند که درسته. True

Public Transport into Oslo

25. Which of the following a, b, c, or d is the name of The Airport Express Train in OSLO?

- a. Nationaltheatret
- b. Sentralstasjon
- c. Flytoget
- d. Oslo

TRAIN: The Airport Express Train (Flytoget) is the quickest way (Journey time: 20 minutes) into the city center. Some Flytoget trains run between the airport and Oslo Sentralstasjon only. Others also stop at underground stations, including the main underground station Nationaltheatret.

گزینه c: گفته کدام گزینه اسم قطار سریع فرودگاه اسلو است که داخل تصویر قابل مشاهده است.

26. The author mentions "20 minutes" in the text to talk about the Train's Journey time between Airport and

- a. Nationaltheatret.
- b. City Center
- c. Oslo Sentralstasjon.
- d. Unerground

گزینه b: گفته نویسنده اشاره کرده که قطار از فرودگاه تا را در 20 دقیقه می رود

27. What does the sign mean?

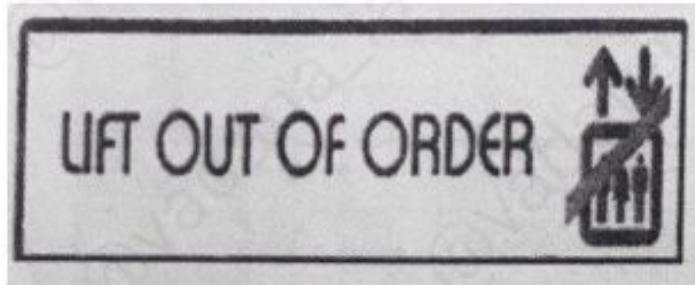
- a. Only fire can exit.
- b. This door is always open.
- c. You can get out when there is a fire.
- d. Anyone can get out.



گزینه c: گفته تابلو به چه معنایست. این تابلو خروج اضطراریه. گزینه c میشه که گفته شما می توانید خارج شوید اگر آتش سوزی شده باشد.

28. What does the sign mean?

- a. You can go up to the second floor in the lift.
- b. You can go up to the first floor in the lift.
- c. The lift does not work.
- d. The lift is out of reach.



گزینه C: گفته تابلو به چه معنایست. این تابلو آسانسور خراب است می باشد. جواب میشه گزینه C به معنی آسانسور کار نمی کند.

29. According to the shop opening hours on the right, HMV records is....

- a. open at 8 pm on Thursday.
- b. close at 4 pm on Sundays.
- c. open at 10 am at weekdays.
- d. close at 8.30 am on weekends.

گزینه C: سوال ساده است گفته طبق جدول ساعت کاری که در سمت راست آمده کدام گزینه صحیح است که با مقایسه ساده می توان فهمید تنها گزینه C صحیح است که گفته ساعت ده صبح روز های هفته (غیر تعطیل) فروشگاه باز است.

Monday	08.30 – 6.30
Tuesday	08.30 – 6.30
Wednesday	08.30 – 6.30
Thursday	08.30 – 7.00
Friday	08.30 – 6.30
Saturday	08.30 – 6.30
Sunday	11.00 – 5.00

30. Shila wants to go to HMV records. She thought "Perhaps I can go before I go to school at 9 am". Which question does she need to know the answer to?

- a. Is it open on Sundays?
- b. Is it open late one evening?
- c. What time does it open in the morning?
- d. What time does it close in the evening?

گزینه C: سوال گفته شیلا می خواهد قبل مدرسه اش که ساعت 9 صبح باز میشه برود به این فروشگاه چه سوالی باید بپرسه که جواب میشه گزینه C به معنای اینکه فروشگاه صبح ها کی باز می کند.

True or false

31. The cheapest starter is the soup of the day.

گفته سوپ روز ارزون ترین
پیش غذاست **True**

32. Thai chicken is suitable for vegetarians.

گفته مرغ تایلندی برای گیاهخواران مناسب است که
غلطه چون علامت v جلوش نیست **False**

33. One can have fruit for a starter.

گفته یک نفر می تواند میوه بخوره که توتی منو نیست **False**

appetisers

Goat's cheese salad

Soft cheese on a mixed salad.

£3.75

Thai chicken

Tender chicken pieces served with a sweet Thai sauce.

£3.25

Soup of the day

Ask a member of staff for today's soup. Served with a bread roll & butter.

£2.95

 Suitable for vegetarians.

Negertiti Hotel

Luxor, Egypt

FREE SERVICES

For our guests, we provide free luggage storage and showers after checkout. Brochures and maps are available at the front desk. As always, we offer friendly and helpful service.

We also have:

- Satellite TV in the public rooms
- Internet service
- Laundry service
- Bike rentals
- Transportation
- Room service
- Souvenir shop

Mr. Ahmadi would like to choose a place to stay. He asks SOME QUESTIONS. Using the text below, decide which sentences are true and which are false.

34. Can I use the Internet?

می خواهد هتل انتخاب کند پرسیدن سوال می توانم از اینترنت استفاده کنم اشتباهه False

35. Is there a laundry service?

پرسیدن اینکه اینجا سرویس شست و شو لباس داره صحیح است. True

36. Can I buy some cinema tickets there?

پرسیدن آیا می توانم بلیط سینما بخرم ربطی به انتخاب هتل ندارد. False

نمونه سوالات ترم قبل

A. Read the following questions and choose the best answer.

1. Which statement is true?

- a. Cheeseburger is the dessert in the menu.
- b. Coffee and vanilla cake is the appetizer in the menu.
- c. Thai chicken is the dessert in the menu.
- d. Soup of the day is the appetizer in the menu.

2. Which statement is false? In a department store, you can find a. mobile phones in the gadget and games department.

- b. ties in the men's accessories department.
- c. boots in the women's footwear department.
- d. baby clothes in the gadget and games department.

3. Which of the followings means "You cannot go up to the second floor in the elevator"?

- a. Fire Exit Only
- b. Buy 1 Get 1 Half Price
- c. Lift Out of Order.
- d. Tax free Shopping.

4. You are in a department store and you look for the sign "Escalator" because you want to

- a. buy tax free clothes
- b. go up to the second floor
- c. put on a pair of trousers
- d. order a glass of juice

5. At a Currency Exchange, the customer asks the question ". . ."?

- a. Can I help you
- b. Would you like traveler's cheques
- c. Can I have a receipt
- d. Would you like cash

6. Mr. Robinson's teeth began hurting a lot, so he went to a

- a. restaurant
- b. dentist
- c. florist
- d. department store

7. Dave worked in a factory and he always sandwiches in the morning and ate them at midday.

- a. cooked
- b. did
- c. baked
- d. made

8. Mick the eggs and earned a lot of money.

- a. took
- b. bought
- c. thought
- d. sold

9. All the suitcases and bags that you take with you when you travel is called the

- a. passport
- b. trolleys
- c. baggage
- d. surveillance

10. I can't go to the supermarket during the week but I can go the weekend.

- a. with
- b. on
- c. at
- d. to

11. A small boy stopped and looked at John a few seconds.

- a. from
- b. with
- c. by
- d. for

12. Jack went to Manchester train.

- a. on
- b. with
- c. by
- d. in

13. A vegetarian would order in a restaurant.

- a. fish and chips
- b. sirloin steak
- c. cheese and onion tart
- d. sausage and mash

14. Relax with a tasty full breakfast from our breakfast buffet. The word "tasty" means....

- a. sweet
- b. delicious
- c. hot
- d. salty

15. Mieko is going to purchase some traveler's cheques. The word "purchase" means...

- a. complete
- b. sell
- c. exchange
- d. buy

16. The first ATM was at Barclays Bank in London. It was installed in 1967. The word "install" means...

- a. continue
- b. sell
- c. set up
- d. cover

17. Brochures and maps are available at the front desk in the hotel. The word "available" means

- a. cheap
- b. rented
- c. single
- d. ready

18. Some people in his hometown wanted to remember him. So, they put up a big statue of him on a horse. The antonym (opposite) for the word "remember" is

- a. talk about
- b. remind
- c. forget
- d. save

19. Read the following statements. Then, choose the best answer.
"Jack went to Manchester by train. He left the station, and thought, the office isn't far from the station. I'll find it easily."

- a. The train station was very far from Manchester.
- b. Jack thought the office was close to the train station.
- c. Jack thought Manchester was close to his town.
- d. The train station was very far from the office.

20. Read the following statements. Then, choose the best answer.
"Mick's neighbor had a big garden too, and he also had vegetables and nice fat chickens in it. There was a wire fence between the gardens, but it was very old."

- a. Mick's neighbor's garden was bigger than Mick's.
- b. Mick's garden was bigger than his neighbor's.
- c. Both Mick and his neighbor had big gardens, vegetable and chickens.
- d. Mick made a new wire fence between the gardens.

21. "Cold and flu drink provides quick and effective relief from the major cold and flu symptoms in a comforting honey and lemon hot drink." What is the drink for?

- a. muscular pain
- b. migraine
- c. sore throat
- d. dental pain

B. Read the following passages and answer the questions.

The Nefertiti Hotel was the first budget hotel in Luxor and is in the heart of the historical district. To the west, the hotel overlooks the ancient Luxor Temple and the Avenue of the Sphinxes, the river Nile and the West Bank Mountains.

22. Which of the following items is true?

- a. The Nefertiti Hotel is a small and cheap hotel.
- b. The Nefertiti Hotel is a top-class luxury hotel.
- c. The Nefertiti Hotel is an expensive hotel.
- d. The Nefertiti Hotel is a free hotel.

Adults, the elderly, children 12 years and older: swallow 2 tablets with water. Then, if necessary, take 1 or 2 tablets every 4 hours. Do not exceed 6 tablets in 24 hours. Not suitable for children under 12 years. If symptoms persist or worsen, or if new symptoms occur, consult your doctor or pharmacist.

23. According to the instructions, choose the correct advice.

- a. you can take 4 tablets every 2 hours.
- b. you should not drink water with tablets.
- c. you can take more than 6 tablets a day.
- d. you should take two tablets the first time.

24. Neurofen tablet is harmful for.

- a. children under 12
- b. the elderly
- c. children over 12
- d. adults

25. You can visit your doctor if.

- a. you feel new signs of sickness
- b. you feel better
- c. you take 4 tablets a day
- d. symptoms of your sickness improve

Neurofen works where it's needed-at the site of pain. It quickly relieves pain, reduces inflammation, and lowers temperature. It relieves dental pain, muscular pain, cold and flu symptoms, feverishness and migraine.

26. Neurofen relieves dental pain. Dental pain means...

- a. backache
- b. stomachache
- c. toothache
- d. headache

27. "It relieves feverishness" means...

- a. it reduces inflammation
- b. it improves headache.
- c. it lowers high temperature
- d. it worsens muscular pain.

28. "It relieves muscular pain" means you can use Neurofen if

- a. you have a headache
- b. you feel cold
- c. you have pulled a muscle in your leg
- d. you have sore throat

A. Read the following questions and choose the best answer.

1. Which statement is true?

- a. fish and chips is the main course in the menu.
- b. sausage and mash is the appetizer in the menu.
- c. tea and chocolate cake is the appetizer in the menu.
- d. soup of the day is the dessert in the menu.

2. Which statement is false?

- a. Coffee is chunky.
- b. the liquid which goes with food is the sauce.
- c. a cut of meat is sirloin.
- d. you can cut the cake into slices.

3. Just book and pay at reception when you check in. The word "book" means

- a. travel
- b. reserve
- c. relax
- d. call back

4. "Mind your head" is a notice on a shop's windows. The word "mind" means.....

- a. touch
- b. be careful of
- c. look for
- d. relax

5. If symptoms continue consult your doctor. The word "symptom" means....

- a. tablet
- b. pain
- c. sign
- d. warning

6. You are a great teacher. I enjoyed all your classes. The word "great" means.....

- a. curious
- b. angry
- c. wonderful
- d. large

7. General Pershing was a famous American officer. The synonym (meaning) for famous is

- a. well-known
- b. experienced
- c. professional
- d. great

8. Which statement is the meaning of "We do not accept cheques or credit cards"?

- a. You must pay in cash.
- b. The shop is open one evening.
- c. You can shop here six days a week.
- d. You can't get out here.

9. Which statement is false? In a department store, you can find

- a. boots in the women's footwear department.
- b. suitcase in the luggage department.
- c. perfume in the gadget and games department.
- d. necklace in the women's accessories department.

10. Which statement is the meaning of "Sales Start Today: Up to 30% of Our Original Prices"?

- a. Things are as cheap as last week.
- b. Things cost more than usual.
- c. Things cost less than usual.
- d. Things are not 30% cheaper.

11. Which statement is the meaning of "You can shop here six days a week"?

- a. Late night shopping: Thursdays-till 8 pm
- b. Open daily 10-6 Except Mondays
- c. Please use other doors
- d. Shoes Repaired While You Wait

12. At a Currency Exchange the assistant asks the question ".

- a. Would you like cash or traveler's cheques
- b. Would I pay in cash
- c. How much commission do you charge
- d. Can I have a receipt

13. The from an ATM shows how much money you got.

- a. commission
- b. receipt
- c. credit card
- d. passport

14. If you're returning from your journey within 31 days, we will buy back your foreign and traveler's cheques.

- a. receipt
- b. commission
- c. currency
- d. notes

15. Which statement is true for "Mr. Robinson never went to a dentist, because he was afraid"?

- a. Mr. Robison was never afraid of the dentist
- b. Mr. Robinson was a frightening dentist.
- c. The dentist helped Mr. Robinson.
- d. Mr. Robinson was afraid to fix his teeth.

16. One day Billy tried to..... a picture of his father on the board.

- a. draw
- b. make
- c. continue
- d. shape

17. Billy's mother was very bad drawing.

- a. at
- b. with
- c. by
- d. to

18. People at the airport customs.

- a. go through
- b. show
- c. carry
- d. collect

19. My work finishes at 6 and I can go to the supermarket..... my way home.

- a. on
- b. at
- c. to
- d. from

20. Billy's mother often drew him some pictures on old pieces of paper. What is the antonym (opposite) for old?

- a. new
- b. young
- c. fresh
- d. modern

نمونه سوالات ترم قبل همراه جواب و توضیح

A. Read the following questions and choose the best answer.

1. Which statement is true?

- a. Cheeseburger is the dessert in the menu.
- b. Coffee and vanilla cake is the appetizer in the menu.
- c. Thai chicken is the dessert in the menu.
- d. Soup of the day is the appetizer in the menu.

سوال گفته کدام فمله درست است که میشه گزینه D

ترجمه گزینه ها: A. در منو قهوه و کیک وانیلی پیش غذا است.
B. در منو قهوه و کیک وانیلی دسر است.
C. در منو سوپ روز پیش غذا است.
D. در منو مرغ تایلندی دسر است.

2. Which statement is false? In a department store, you can find

- a. mobile phones in the gadget and games department.
- b. ties in the men's accessories department.
- c. boots in the women's footwear department.
- d. baby clothes in the gadget and games department.

ترجمه سوال: گدام عبارت نادرست است؟ در یک هراؤشگاه بزرگ می توانید بیدا گنید

آ. تلفن های همراه در بخش گمت و بازی.
ب گرایات در بخش لوازم جانبی مردانه.
د لباس کودک در بخش گمت و بازی.
ج چکمه در بخش کفش زنانه.
گزینه D مشود چرا که لباس کودک در بخش گمت و تکنولوژی نیست.

3. Which of the followings means "You cannot go up to the second floor in the elevator"?

- a. Fire Exit Only
- b. Buy 1 Get 1 Half Price
- c. Lift Out of Order.
- d. Tax free Shopping.

ترجمه سوال : کدام یک از موارد زیر به معنای "نمی توانید با آسانسور به طبقه دوم بروید" است؟

ب ا عدد بفرید ا نصف قیمت	آ. فروع اضطراری
د فرید بدون مالیات	ب. آسانسور فراب است.
گزینه C	میشود از ترجمه مشخصه.

4. You are in a department store and you look for the sign "Escalator" because you want to

- a. buy tax free clothes
- b. go up to the second floor
- c. put on a pair of trousers
- d. order a glass of juice

ترجمه سوال : شما در یک فروشگاه بزرگ هستید و به دنبال علامت "پله برقی" می گردید زیرا می فواهدید

ب به طبقه دوم بروید	آ. فرید لباس معاف از مالیات بروید
د یک لیوان آب میوه سفارش دهید	ب. یک شلوار بپوشید
گزینه B	میشود از ترجمه مشخصه

5. At a Currency Exchange, the customer asks the question ". . ."?

- a. Can I help you
- b. Would you like traveler's cheques
- c. Can I have a receipt
- d. Would you like cash

ترجمه سوال : در صرافی، مشتری این سوال را می پرسد ". . ."

آ. میتونم کمکتون کنم ب آیا می فواهید پک مسافرتی بگیرید

ب آیا پول نقد می فواهید چ میتونم رسید بگیره

گزینه C میشود از ترجمه مشخصه

6. Mr. Robinson's teeth began hurting a lot, so he went to a

- a. restaurant
- b. dentist
- c. florist
- d. department store

ترجمه سوال : دندان های آقای رابینسون شروع به درد شدید گردند، بنابراین او به یک رفت.

آ. رستوران ب دندانپزشک د فروشگاه بزرگ چ کل فروشی

باتوجه به ترجمه گزینه B میشود.

7. Dave worked in a factory and he always sandwiches in the morning and ate them at midday.

- a. cooked
- b. did
- c. baked
- d. made

گزینه D میشود پون فعل قبل ساندویچ اومده و ساندویچ را نمی پزد که بقیه گزینه ها بشه بلکه ساندویچ را درست می کنن یعنی made

8. Mick the eggs and earned a lot of money.

- a. took
- b. bought
- c. thought
- d. sold

گزینه D میشه چون گفته مایک تهم مرغ هارو چا فالی و مقدار زیادی پول بدست اورده طبیعتاً تهم مرغ هارو فروخته که پول بدست آورده.

9. All the suitcases and bags that you take with you when you travel is called the

- a. passport
- b. trolleys
- c. baggage
- d. surveillance

گزینه C میشه کفته همه پمدها و بارهایی که نیاز به مسافرت می باشند نامیده می شود گزینه C معنای بار سفر است.

10. I can't go to the supermarket during the week but I can go the weekend.

- a. with
- b. on
- c. at
- d. to

گزینه B میشه چون قبل weekend از حرف اضافه ON استفاده می کنیم.

11. A small boy stopped and looked at John a few seconds.

- a. from
- b. with
- c. by
- d. for

گزینه D میشود چون گفته به پسر بده ایستاد و چند ثانیه به جان فیره شد میشے گزینه D به معنای برای.

12. Jack went to Manchester train.

- a. on
- b. with
- c. by
- d. in

گزینه C میشود چون گفته بگ رفت به منچستر قطار برای بیان وسیله نقلیه از by استفاده می کنیم به منای با.

13. A vegetarian would order in a restaurant.

- a. fish and chips
- b. sirloin steak
- c. cheese and onion tart
- d. sausage and mash

ترجمه سوال : یک گیاهخوار در یک رستوران سفارش می دهد.

آ. ماهی و چیپس ب. استیک راسته چ. تارت پنیر و پیاز د. سسیس و پوکه

باتوجه به ترجمه گزینه C میشود.

14. Relax with a tasty full breakfast from our breakfast buffet. The word "tasty" means....

- a. sweet
- b. delicious
- c. hot
- d. salty

گزینه B میشه گفته به په معنایست که هم معنی delicious به معنی خوشمزه است.

15. Mieko is going to purchase some traveler's cheques. The word "purchase" means

- a. complete
- b. sell
- c. exchange
- d. buy

گزینه D میشه گفته به په معنایست که هم معنی buy به معنی خرید است.

16. The first ATM was at Barclays Bank in London. It was installed in 1967. The word "install" means

- a. continue
- b. sell
- c. set up
- d. cover

گزینه C میشه گفته به په معنایست که هم معنی set up به معنی نصب کردن است.

17. Brochures and maps are available at the front desk in the hotel. The word "available" means

- a. cheap
- b. rented
- c. ready
- d. single

گزینه C میشه گفته به په معنایست که هم معنی آماده و در دسترس است.

18. Some people in his hometown wanted to remember him. So, they put up a big statue of him on a horse. The antonym (opposite) for the word "remember" is

- a. talk about
- b. remind
- c. forget
- d. save

گزینه C میشه گفته مخالف کلمه **remember** به معنای به یاد آوردن چی میشه به معنی فراموش کردن میشه.

19. Read the following statements. Then, choose the best answer.
"Jack went to Manchester by train. He left the station, and thought, the office isn't far from the station. I'll find it easily."

- a. The train station was very far from Manchester.
- b. Jack thought the office was close to the train station.
- c. Jack thought Manchester was close to his town.
- d. The train station was very far from the office.

ترجمه سوال: عبارات زیر را بفوانید. سپس، بهترین پاسخ را انتخاب کنید. "جک با قطار به منچستر رفت. او ایستگاه را ترک کرد و فکر کرد، دفتر از ایستگاه دور نیست. من آن را به راحتی پیدا فواهم کرد."

- آ. ایستگاه قطار فیلی از منچستر دور بود.
- ب. جک فکر می کرد دفتر نزدیک به ایستگاه قطار است.
- ج. جک فکر می کرد منچستر به شهرش نزدیک است.
- د. ایستگاه قطار فیلی از دفتر دور بود.

مشخصه گزینه

**20. Read the following statements. Then, choose the best answer.
"Mick's neighbor had a big garden too, and he also had vegetables and nice fat chickens in it. There was a wire fence between the gardens, but it was very old."**

- a. Mick's neighbor's garden was bigger than Mick's.
- b. Mick's garden was bigger than his neighbor's.
- c. Both Mick and his neighbor had big gardens, vegetable and chickens.
- d. Mick made a new wire fence between the gardens.

هملات زیر را بفوانید. سپس، بهترین پاسخ را انتخاب کنید. "همسایه مایک هم یک باغ بزرگ داشت و اونه سبزیجات و مرغ های چاق در باغش داشت. یک مصاری سیمی بین باغ ها و میود داشت، اما فیلی قدیمی بود."

آ. باغ همسایه مایک بزرگتر از باغ مایک بود.

ب. باغ میک بزرگتر از باغ همسایه اش بود.

ج هم میک و هم همسایه اش باغ های بزرگ، سبزیجات و مرغ داشتند.

د میک یک مصاری سیمی مجدد بین باغ ها ساخت.

اطلاعات سوال میگه همسایه مایک هم باغ بزرگ داشت و... یعنی فود مایک هم باغ بزرگ و مرغ و سبزیجات داشته پس کزینه C درست است.

21. "Cold and flu drink provides quick and effective relief from the major cold and flu symptoms in a comforting honey and lemon hot drink." What is the drink for?

- a. muscular pain
- b. migraine
- c. sore throat
- d. dental pain

گفته نوشیدنی سرماخوردگی و آنفولانزا علائم اصلی سرماخوردگی و آنفولانزا را از بین هی برد در نوشیدنی داغ عسل و لیمو. نوشیدنی برای چیست؟

که میشه گزینه C به معنای گلو درد زیرا دیگر گزینه ها جزو علائم سرما فورده و آنفولانزا نیست

B. Read the following passages and answer the questions.

The Nefertiti Hotel was the first budget hotel in Luxor and is in the heart of the historical district. To the west, the hotel overlooks the ancient Luxor Temple and the Avenue of the Sphinxes, the river Nile and the West Bank Mountains.

هتل نفرتیتی اولین هتل ارزان قیمت در Luxor بود و در قلب منطقه تاریخی قرار دارد. در غرب، هتل مشرف به معبد باستانی Luxor و فیابان Sphinxes، رودخانه نیل و کوه های کراونه بافتی است.

22. Which of the following items is true?

- a. The Nefertiti Hotel is a small and cheap hotel.
- b. The Nefertiti Hotel is a top-class luxury hotel.
- c. The Nefertiti Hotel is an expensive hotel.
- d. The Nefertiti Hotel is a free hotel.

کدام یک از موارد زیر صحیح است؟

ب هتل نفرتیتی یک هتل مجمل درجه یک است.

آ. هتل نفرتیتی یک هتل کوچک و ارزان است.

د هتل نفرتیتی یک هتل رایگان است.

ه. هتل نفرتیتی یک هتل گران قیمت است.

طبق دینگ آمده گزینه A صحیح نست.

Adults, the elderly, children 12 years and older: swallow 2 tablets with water. Then, if necessary, take 1 or 2 tablets every 4 hours. Do not exceed 6 tablets in 24 hours. Not suitable for children under 12 years. If symptoms persist or worsen, or if new symptoms occur, consult your doctor or pharmacist.

بزرگسالان، سالمندان، کودکان 12 سال و بزرگتر: 2 قرص را با آب ببلعید. سپس در میورت لزوم 1 یا 2 قرص هر 4 ساعت مصرف شود. بیشتر از 6 قرص در 24 ساعت زیاده روى نکنید. برای کودکان زیر 12 سال مناسب نیست. در صورت تداوم یا بدتر شدن علائم، یا بروز علائم جدید، با پزشک یا داروساز فود مشورت کنید.

23. According to the instructions, choose the correct advice.

- a. you can take 4 tablets every 2 hours.
- b. you should not drink water with tablets.
- c. you can take more than 6 tablets a day.
- d. you should take two tablets the first time.

با توجه به دستورالعمل، توصیه صمیع را انتخاب کنید.

- ب نباید با قرص آب بنوشید.
- آ. من توانید هر 2 ساعت 4 قرص مصرف کنید.
- ه. شما من توانید بیش از 6 قرص در یوز مصرف کنید.

اول ریدینگ گفته دو قرص را مصرف کنید اگه کافی نبود یک، یا دو قرص هر چهار ساعت مصرف کنید پس باز اول

باید دو قرص فوراً یعنی گزینه D صمیع است

24. Neurofen tablet is harmful for.

- a. children under 12
- b. the elderly
- c. children over 12
- d. adults

سوال گفته این قرص برای چه افرادی مضر است تو ریدینگ گفته بچه های زیر 12 سال مصرف نکنند پس میشه

گزینه A

25. You can visit your doctor if.

- a. you feel new signs of sickness
- b. you feel better
- c. you take 4 tablets a day
- d. symptoms of your sickness improve

گفته در چه صورت باید به پزشک مراجعه کنید که طبق ریدینگ وقتی باید مراجعه کرد که علائم جدیدی بوجود بیاید

یا علائم بدتر شود پس گزینه A به معنی زمانی که علائم جدید هس کنی درست است.

Neurofen works where it's needed-at the site of pain. It quickly relieves pain, reduces inflammation, and lowers temperature. It relieves dental pain, muscular pain, cold and flu symptoms, feverishness and migraine.

نورو芬 در جاهایی که لازم است کار می کند - در محل درد. به سرعت درد را تسکین می دهد. التهاب را کاهش می دهد و دمای را کاهش می دهد. درد دندان، درد عضلانی، علائم سرماخوردگی و آنفولانزا، تب و میگرن را تسکین می دهد.

26. Neurofen relieves dental pain. Dental pain means..

- a. backache
- b. stomachache
- c. toothache
- d. headache

پرسیده بده فرموده که toothache به معنای دندان درد است.

27. "It relieves feverishness" means..

- a. it reduces inflammation
- b. it improves headache.
- c. it lowers high temperature
- d. it worsens muscular pain.

ترجمه سوال تب را بزیرف می کند» یعنی..

ب سردرد را بهبود می بخشد	آ. التهاب را کاهش می دهد
د درد عضلانی را تشدید می کند.	چ. دمای بالا را کاهش می دهد

در ترجمه مشخصه گزینه C میش.

28. "It relieves muscular pain" means you can use Neurofen if

- a. you have a headache
- b. you feel cold
- c. you have pulled a muscle in your leg
- d. you have sore throat

ترجمه سوال : درد عضلانی را تسکین می دهد « یعنی می توانید از نیروفن استفاده کنید اگر

آ. سر درد دارید ب. احساس سرما میکنی چ. عضله پات کش آمده د. گلو درد دارید

کزینه C ممیع است.

A. Read the following questions and choose the best answer.

1. Which statement is true?

- a. fish and chips is the main course in the menu.
- b. sausage and mash is the appetizer in the menu.
- c. tea and chocolate cake is the appetizer in the menu.
- d. soup of the day is the dessert in the menu.

ترجمه سوال کدام عبارت درست است؟

ب. سوسیس و چوچه پیش غذا در منو است.

آ. ماهی و چیپس غذای اصلی منو است.

د. سوپ روز دسر در منو است.

ب. کیک چای و شکلاتی پیش غذا در منو است.

پاتوهه به ترجمه A درست است

2. Which statement is false?

- a. Coffee is chunky.
- b. the liquid which goes with food is the sauce.
- c. a cut of meat is sirloin.
- d. you can cut the cake into slices.

کفته کدام عبارت نادرست است کزینه A پانکی به معنای درشت و هیکل بزرگ است و نمی تواند کنار قهوه بیاید.

3. Just book and pay at reception when you check in. The word "book" means ...

- a. travel
- b. reserve
- c. relax
- d. call back

گزینه B میشه گفته book به معنای **reserve** به معنی (رزرو کردن) است.

4. "Mind your head" is a notice on a shop's windows. The word "mind" means.....

- a. touch
- b. be careful of
- c. look for
- d. relax

گزینه C میشه گفته mind به معنای **look for** به معنی (مواسط) باشد است.

5. If symptoms continue consult your doctor. The word "symptom" means....

- a. tablet
- b. pain
- c. sign
- d. warning

گزینه C میشه گفته symptom به معنای **sign** به معنی (علائم) است.

6. You are a great teacher. I enjoyed all your classes. The word "great" means.....

- a. curious
- b. angry
- c. wonderful
- d. large

گزینه C میشه گفته great به معنای **wonderful** به معنای (عالی) است.

7. General Pershing was a famous American officer. The synonym (meaning) for famous is

- a. well-known
- b. experienced
- c. professional
- d. great

گزینه A میشه کفته هم معنی well-known میست که معنای شناخته شده می شود.

8. Which statement is the meaning of "We do not accept cheques or credit cards"?

- a. You must pay in cash.
- b. The shop is open one evening.
- c. You can shop here six days a week.
- d. You can't get out here.

کفنه منظور از «پک یا کارت اعتباری نمی پذیریم» کدام عبارت است؟ که میشه گزینه A یعنی باید نقد پرداخت کلید.

9. Which statement is false? In a department store, you can find

- a. boots in the women's footwear department.
- b. suitcase in the luggage department.
- c. perfume in the gadget and games department.
- d. necklace in the women's accessories department.

کدام عبارت نادرست است؟ در یک فروشگاه بزرگ، می توانید پیدا کنید

ب پهمان در بخش بخش پهمان.	آ. پکمه در بخش کفشه، زنانه.
د گردنبند در بخش لوازم زنانه.	ب. عطر در بخش گجت و بازی.
طبق ترجمه مشخصه گزینه C صحیح است.	ج. عطر در بخش گجت و بازی.

10. Which statement is the meaning of "Sales Start Today: Up to 30% of Our Original Prices"?

- a. Things are as cheap as last week.

- b. Things cost more than usual.
- c. Things cost less than usual.
- d. Things are not 30% cheaper.

منظور از «شروع فروش امروز» تا 30 درصد از قیمت های اصلی ما «کدام عبارت است؟

- آ. هزینه های پرداختی بیشتر از مقدار معمول است.
- ب. هزینه های پرداختی ارزان هستند.
- ج. هزینه های پرداختی کمتر از مقدار معمول است.
- د. هزینه های پرداختی 30 درصد ارزان تر نیستند.

گزینه C صحیح است.

11. Which statement is the meaning of "You can shop here six days a week"?

- a. Late night shopping: Thursdays-till 8 pm
- b. Open daily 10-6 Except Mondays
- c. Please use other doors
- d. Shoes Repaired While You Wait

گفته کدام جمله با جمله می توانید شش روز در هفته در اینجا فرید کنید هم معنی است؟ تنها گزینه C صحیح است

که گفته هر روز از 10 تا 6 باز است بهز دو شنبه یعنی شش روز در هفته باز است.

12. At a Currency Exchange the assistant asks the question ".

- a. Would you like cash or traveler's cheques
- b. Would I pay in cash
- c. How much commission do you charge
- d. Can I have a receipt

در صرافی، مسئول این سوال (a) می پرسد.

ب آیا به صورت نقدی پرداخت می کنید؟

د میتوانم رسیدگایی

آ. آیا پول نقد می فواهدید یا پک مسافرتی

ج مقدار پورسانت میگیرید

با توجه به ترجمه مشخصه گزینه A صحیح است.

13. The..... from an ATM shows how much money you got.

- a. commission
- b. receipt
- c. credit card
- d. passport

سوال میکه که از ATM میگیرید ممکن است را نشان می دهد که بواب گزینه B میشه یعنی رسید بانکی.

14. If you're returning from your journey within 31 days, we will buy back your foreign and traveler's cheques.

- a. receipt
- b. commission
- c. currency
- d. notes

سوال گفته اگه تا 31 روز برگردی از سفر ما فارمی تون و می فریم که میشه گزینه C به معنای از.

15. Which statement is true for "Mr. Robinson never went to a dentist, because he was afraid"?

- a. Mr. Robison was never afraid of the dentist
- b. Mr. Robison was a frightening dentist.
- c. The dentist helped Mr. Robison.
- d. Mr. Robison was afraid to fix his teeth.

گفته کدام گزینه با جمله آقای رابینسون هیچوقت به دندانپزشکی نزدیک نبود زیرا میترسید همفوایی دارد که میشه گزینه D که گفته آقای رابینسون می ترسید دندان هایش را درست کند.

16. One day Billy tried to..... a picture of his father on the board.

- a. draw
- b. make
- c. continue
- d. shape

سوال گفته یک روز بیلی تلاش کرد نقاشی از پدرش. نقاشی را می کشن پس میشه گزینه A

17. Billy's mother was very bad drawing.

- a. at
- b. with
- c. by
- d. to

در انگلیسی ترکیب bad at برای بیان بد بودن در انجام کاری استفاده می شود پس گزینه A صحیح است.

18. People at the airport customs.

- a. go through
- b. show
- c. carry
- d. collect

افراد داخل فرودگاه از گیت گمری که میشه گزینه A عبور می کنند

19. My work finishes at 6 and I can go to the supermarket..... my way home.

- a. on
- b. at
- c. to
- d. from

در اینجا قبل on ای way استفاده میشه یعنی گزینه A

20. Billy's mother often drew him some pictures on old pieces of paper. What is the antonym (opposite) for old?

- a. new
- b. young
- c. fresh
- d. modern

مغایف کلمه Old و در این مجمله می فواد در همین کاغذ های قدیمی کفته شده یعنی کلمه جدید میشے

، A.new یعنی گزینه